

● رشد اقتصاد ایران در سال ۱۳۸۱ را در حدود ۶/۵ درصد برآورد کرده‌اند. از هنگامی که آقای رئیس‌جمهور این رقم را اعلام کردند، عده‌ای ناآشنا به اصول علم اقتصاد، با خوش‌بینی آن را بازگو کرده‌اند و شگفت آنکه سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی نیز در تلویزیون پیش‌نویس قانون برنامه چهارم، از رقم‌های رشد ۸ درصدی، در سال‌های اجرای برنامه سخن گفته است.

هدف از نوشتن این مطلب، بیان علت‌ها و عوامل این رشد و اشاره به ناپایداری آن با استناد به قوانین و اصول علم اقتصاد است.

رشد اقتصادی را بر پایه قیمت‌های ثابت برآورد می‌کنند؛ یعنی در محاسبه آن، آثار تورم کنار گذاشته می‌شود. در ایران، محاسبه تولید ناخالص داخلی، بر پایه قیمت‌های ثابت سال ۱۳۶۹ است.

اقتصاد ایران در دوره سه ساله ۱۳۷۹-۸۱ بطور متوسط ۵/۶ درصد رشد داشته است (به ترتیب ۵/۱ درصد، ۵/۴ درصد و ۶/۵ درصد). در همین دوره، تولید نفت در کشور سیر نزولی یافته و از ۳/۶۶۱ میلیون بشکه در روز در سال ۱۳۷۹ به ۳/۵۷۴ میلیون بشکه در روز در سال ۱۳۸۰ و پس از آن به ۳/۳۰۵ میلیون بشکه در روز در سال ۱۳۸۱ رسیده است. این کاهش سبب شده است که متوسط رشد بخش نفت و گاز در سه سال اخیر منفی شود و به ۲/۶ درصد برسد.

اگر بخش نفت و گاز را کنار بگذاریم، که البته از نظر اقتصاد ملی بی‌معنی خواهد بود، رشد اقتصاد کشور در سال ۱۳۸۱ به ۷/۵ درصد و متوسط رشد سه ساله اخیر به ۶/۳ درصد (در مقایسه با ۵/۶ درصد شامل بخش نفت و گاز) افزایش می‌یابد.

برای شناخت قدرت یا توان هر اقتصاد، باید دید که کدام یک از بخش‌های اقتصاد رشد داشته و علت آن چه بوده است؟

جدول شماره یک که در برگیرنده برآوردهای سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی است و نیز برآوردهای آماری بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران که در جدول شماره ۶ بازتاب یافته است، رشد اقتصادی کشور (کل تولید ناخالص داخلی) را در سال ۱۳۸۱ به ترتیب ۶/۵ درصد و ۷/۴ درصد نشان می‌دهند که منشأ اصلی این رشد همانا

۱۱/۷ درصد رشد کشاورزی، ۱/۸ درصد رشد صنعت و معدن و ۱۳/۰ درصد رشد بخش ساختمان بوده است، در حالی که برآورد رشد این بخش‌ها در سال ۱۳۸۰ به این شرح بوده است: رشد تولید ناخالص داخلی ۳/۳ درصد؛ کشاورزی ۰/۷- (منفی) درصد؛ صنعت و معدن ۹/۱ درصد و ساختمان ۱۲/۳ درصد.

ارزش افزوده بخش نفت و گاز در سال ۱۳۸۱ براساس گزارش سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی معادل ۷/۱ درصد (سال ۱۳۸۰ برابر ۸/۴ درصد) رشد منفی داشته است، اما بانک مرکزی همین رقم منفی را مثبت اعلام و رشد بخش نفت و گاز را ۵/۱ درصد برآورد کرده است (جدول ۶).

این تضاد آشکار یا شکاف ۱۲/۲ درصدی، ۰/۹ درصد اختلاف در ارقام رشد تولید ناخالص داخلی پدید آورده که شاهد آن گزارش‌های دو مرکز رسمی است؛ یعنی رقم ارائه شده از سوی بانک مرکزی بالاتر از رقم ارائه شده از سوی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی است که در هر صورت، این اختلاف نیز با توجه به سهم نفت و گاز در اقتصاد ایران (حدود ۶ درصد)، دقیق به نظر نمی‌رسد.

اکنون باید دید که این چهار بخش و زیربخش رشد یابنده چگونه رشد داشته‌اند و این رشد تاجه اندازه در جهت هدفهای کل نظام برنامه‌ریزی کشور بوده است؟ از همه بالاتر اینکه آیا این رشد تداوم خواهد یافت؟

۱- کشاورزی: رشد بخش کشاورزی در سال ۱۳۸۱ آن‌گونه که دیدیم ۱۱/۷ درصد گزارش شده است، در حالی که رشد آن در سال قبل ۰/۷ درصد (منفی) بوده و میانگین رشد سه ساله آن را هم ۵/۷ درصد برآورد کرده‌اند. حال باید گفت رشد سرمایه‌گذاری در ماشین‌های کشاورزی، به قیمت‌های جاری در مدت ۴ سال (۱۳۷۸-۸۱) تقریباً ثابت مانده و به ترتیب ۲/۰ درصد، ۱/۹ درصد، ۲/۲ درصد و ۲/۱ درصد بوده است؛ بی‌سرمایه‌گذاری در زمینه ماشین‌های جدید هم تکنولوژی جدید به کشاورزی وارد نمی‌شود؛ چنان‌که سهم سرمایه‌گذاری در زمینه ماشین‌های کشاورزی در سال ۱۳۸۱ همچنان اندک بوده و به ۰/۲۱ درصد کل سرمایه‌گذاری در بخش ماشین‌ها رسیده است. از سوی دیگر، نقش دیگر عوامل

## برآورد رشد اقتصاد ایران با مطبیق به مسائل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

دکتر علی رشیدی

● برای شناخت قدرت یا توان هر اقتصاد باید دید کدام يك از بخش های اقتصاد رشد داشته و علت آن چه بوده است... رشد اقتصادی را بر مبنای قیمت های ثابت برآورد می کنند؛ یعنی، در محاسبه آن اثرات تورم کنار گذاشته می شود.

دانست. آمارو شن است که بارندگی به دست ما نیست؛ از این رو، رشد بخش کشاورزی، بی تغییرات بنیادی در داده های کشاورزی، بویژه کاربرد تکنولوژی و علمی کردن کشاورزی، و بی سرمایه گذاری لازم و کافی در زمینه نیروی انسانی و فراهم آوردن تأسیسات و نهاده های کشاورزی علمی و سرمایه گذاری عمقی با دوام نخواهد بود.

۲- صنایع و معادن: ۱۱/۲ درصد رشد بخش صنایع و معادن در سال ۱۳۸۱ را (آمار بانک مرکزی گویای ۱۱/۸ درصد رشد است) باید برآیند ۱۱ درصد رشد در بخش صنعت و نیز ۱۱/۸ درصد رشد در بخش معدن دانست. میانگین رشد سه ساله این بخش را هم ۱۱ درصد برآورد کرده اند.

گذشته از مسئله فراوانی ارز و فراهم سازی امکانات لازم برای ورود مواد اولیه و قطعات به کشور که بعداً به آن اشاره خواهد شد، رشد زیربخش صنعت از رشد چشمگیر تولید اتومبیل و

تولید در کشاورزی (کار و زمین) ثابت است و بویژه عامل کار کشاورزی در حال فرسایش است (مطالعات مرکز آمار ایران نشان می دهد که با مهاجرت نیروی کار جوان از روستاها، بیشتر کودکان و پیران بالای شصت سال در روستاها مانده اند).

با توجه به این نکته ها، تنها يك عامل می تواند باعث رشد بخش کشاورزی شده باشد و آنهم لطف خداوند است؛ زیرا، بارش باران، کشت دیم رونق یافته و این رونق، انگیزه ای بوده است که وزیر جهاد کشاورزی بگوید نزدیک است در تولید گندم خود کفا شویم. به این ترتیب، با افزایش بارندگیها، سطح کشت دیم گسترش یافته و در نتیجه، رشد زیربخش زراعت از ۵ درصد در سال ۱۳۷۹ و ۵/۱ درصد در سال ۱۳۸۰ به ۱۳/۷ درصد در سال ۱۳۸۱ رسیده است. از سوی دیگر، افزایش بارندگی و سرسبز شدن چراگاهها را باید سبب ساز رشد زیربخش های دامداری و جنگلداری

جدول ۱- سنجش عملکرد بخش های اقتصادی با اهداف برنامه

۱۳۸۱		۱۳۸۰		۱۳۷۹		هدف برنامه
عملکرد	هدف برنامه	عملکرد	هدف برنامه	عملکرد	هدف برنامه	
۱۰/۸	۴/۹	۲/۲	۴/۵	۲/۹	۳/۹	کشاورزی
۱۰/۲	۵/۰	۳/۲	۴/۶	۳/۲	۴/۰	زراعت و دامپروری
۱۳/۷	-	۵/۸	-	۵	-	زراعت
۹/۷	۰/۰۳	۳/۰	۰/۲	۱۱/۰	۱/۳	جنگلداری
۹/۸	۱۲/۷	۳/۸	۱۲/۲	۳/۸	۳/۳	ماهگیری
۰/۷	۰/۵	۸/۴	۰/۵	۸/۶	۹/۲	نفت و گاز
۱۱/۲	۸/۲	۱۳/۸	۷/۷	۸/۸	۶/۳	صنایع و معادن
۱۱/۰	۸/۲	۱۴/۳	۷/۷	۱۰/۵	۶/۰	صنعت
۱۱/۸	۵/۶	۹/۶	۵/۸	۳/۶	۱۹/۷	معدن
۰/۸	۲/۵	۱/۹	۲/۸	۵/۴	۳/۶	آب
۷/۸	۶/۹	۷/۷	۶/۵	۷/۸	۳/۶	برق
۱۳/۰	۹/۶	۱۲/۳	۹/۲	۷/۹	۹/۷	ساختمان
۵/۸	۶/۳	۳/۸	۵/۹	۴/۰	۴/۲	خدمات
۵/۵	۵/۲	۵/۹	۳/۸	۸/۹	۵/۲	حمل و نقل و انبارداری
۱۱/۹	۱۲/۰	۱۵/۳	۱۱/۵	۱۲/۳	۲۰/۸	ارتباطات
۸/۸	۵/۶	۷/۲	۵/۲	۶/۸	۴/۳	بازرگانی، رستوران و هتلداری
۴/۸	۱۱/۵	۳/۹	۱۱/۲	۰/۹	۵/۰	مؤسسات مالی، پولی مستغلات
۰/۴	۲/۳	۰/۳	۱/۹	۰/۲	۱/۸	خدمات عمومی، اجتماعی و شخصی
۶/۵	۶/۵	۵/۴	۵/۵	۵/۸	۳/۵	تولید ناخالص داخلی
۷/۵	۷/۲	۶/۵	۷/۰	۴/۸	۵/۹	تولید ناخالص داخلی (بدون نفت)

مأخذ: گزارش اقتصادی سال ۱۳۸۱ (مهر ۸۲، بخش چهارم، تحلیل ساختار و سیاست های اقتصاد کلان، صفحه ۲۵۴)

شهرهای بزرگ وارد آمده است.

سیاست‌های توسعه صنعتی کشور در ۱۵ سال اخیر که تنها در خدمت سودجویی چند گروه دارای اجازه اتومبیل‌سازی بوده است (هر چند طبق ادعا، حدود ۴۰۰ هزار شغل ایجاد کرده و نزدیک به ۶۵۰ شرکت تولیدکننده قطعات را فعال ساخته است)، از ضرورت حیاتی هدایت سرمایه‌گذاری‌ها به سوی تولید ماشین‌های کشاورزی و کاربرد تکنولوژی‌های لازم در بخش کشاورزی غافل بوده است؛ زیرا، به جای تولید حداکثر ۳ یا ۴ نوع اتومبیل سواری برای طبقات مختلف مردم بر پایه کاهش مصرف سوخت و مطابق استانداردهای جهانی، سیاست توسعه صنعتی می‌بایست تولید دست کم ۳۰ نوع ماشین کشاورزی را با تکنولوژی روز هدف قرار می‌داد تا شایسته سهم ۱۷/۳ درصدی کشاورزی در تولید ناخالص

قطعات، اعم از تولید داخلی و واردات، به صورت مجموعه حاصل شده است؛ آنهم در شرایطی که قیمت این محصولات را با کمک وزارت بازرگانی و وزارت صنایع به زیان مصرف‌کننده و نیز به زیان صنایع دیگر در سطحی بسیار بالاتر از قیمت‌های جهانی تعیین کرده و نگهداشته‌اند. از سوی دیگر، با جلوگیری از ورود اتومبیل و تضمین سود بسیار برای این صنعت، سرمایه‌گذارهای صنعتی در آن متمرکز شده است. همچنین سرمایه‌های سرگردان، در شرایط ناتوانی سیستم بانکی در جذب و هدایت سپرده‌ها، با هدف سودجویی یا حفظ قدرت خرید دارایی‌ها، به سوی خرید، نگهداری و فروش اتومبیل هدایت شده است. تولید یا برنامه‌ریزی تولید نزدیک به ۳۰ نوع اتومبیل سواری، به گونه‌ای که هر روز حدود ۱۳۰۰ دستگاه اتومبیل به تعداد اتومبیل‌های موجود در خیابانها و جاده‌ها افزوده شود (در کنار ۳۲۰ دستگاه موتورسیکلت)، عامل انحراف واقعی و به همان اندازه جبران‌ناپذیر منابع از تولید و به کارگیری وسایل نقلیه عمومی (ناوگان حمل و نقل شهری و جاده‌ای) یعنی تولید اتوبوس، کامیون، تریلر، واگن، لکوموتیو و توسعه شبکه راه‌آهن کشور است. در نتیجه شمار مصدومان در سال ۱۳۸۱ حدود ۴۲ درصد افزایش یافته که از جمله دربرگیرنده ۲۱ هزار و ۸۷۳ نفر کشته بوده است و نیز آسیب‌های جبران‌ناپذیر به محیط زیست، بویژه در

● تنها يك عامل می توانسته است باعث رشد بخش کشاورزی شود و آنهم لطف خداوند است؛ زیرا، با ریزش باران، کشت دیم رونق یافته و این رونق، انگیزه‌ای شده است که کسانی بگویند: «نزدیک است در تولید گندم خود کفا شویم.»

### جدول ۳- سهم ارزش افزوده بخش‌های اقتصادی در تولید ناخالص داخلی

۱۳۸۱	۱۳۸۰	۱۳۷۹	
۱۷/۳	۱۶/۷	۱۶/۹	کشاورزی
۶/۰	۶/۸	۷/۹	نفت و گاز
۲۲/۹	۲۲/۰	۲۰/۵	صنایع و معادن
۱۴/۳	۱۳/۸	۱۳/۲	صنعت
۵/۸	۵/۵	۵/۱	ساختمان
۵۳/۹	۵۴/۵	۵۴/۸	خدمات

### جدول ۲- تولید ناخالص داخلی و ارزش افزوده بخش‌های اقتصادی به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۶۹

رشد متوسط طی دوره ۱۳۸۱-۱۳۷۹	۱۳۸۱	۱۳۸۰	۱۳۷۹	۱۳۷۸	
۵/۷	۱۰۲۸۹/۱	۹۳۴۱/۳	۸۹۶۶/۴	۸۷۱۳/۱	کشاورزی
-۲/۶	۳۵۵۸/۷	۳۸۲۹/۹	۴۱۷۹/۱	۳۸۴۷/۹	نفت و گاز
۱۱/۰	۱۳۶۷۲/۴	۱۲۳۰۲/۵	۱۰۸۷۸/۳	۱۰۰۰۰/۱	صنایع و معادن
۱۰/۵	۸۵۵۰/۹۰۷	۷۷۰۳/۵۲	۷۰۰۴/۲	۶۳۳۹/۴	صنعت
۱۱/۰	۳۴۷۳/۶۲	۳۰۷۴	۲۷۳۷/۳	۲۵۳۷/۱	ساختمان
۴/۶	۳۲۱۲۰/۳	۳۰۵۴۹/۲	۲۹۱۵۲/۳	۲۸۰۳۶/۱	خدمات
۵/۶	۵۹۶۴۲/۴	۵۶۰۲۲/۹	۵۳۱۷۶/۱	۵۰۵۹۷/۱	تولید ناخالص داخلی به قیمت عوامل
۶/۳	۵۶۰۸۳/۷	۵۲۱۹۳	۴۸۹۹۷	۴۶۷۴۹/۲	تولید ناخالص داخلی به قیمت عوامل (بدون نفت)
۶/۴	۵۲۱۷۵/۷	۴۷۵۳۷/۱	۴۵۷۹۸/۸	۴۳۳۵۶/۳	درآمد ملی
۴/۱	۹۰۷/۸	۸۶۷/۲	۸۳۷/۴	۸۰۵/۷	تولید سرانه
۴/۸	۷۹۴/۲	۷۳۵/۹	۷۲۱/۲	۶۹۰/۴	درآمد سرانه

۱۳۸۱		۱۳۸۰		۱۳۷۹		
نرخ رشد	سهم	نرخ رشد	سهم	نرخ رشد	سهم	
۶/۴	۹/۷	-۳/۰	۹/۸	۱۲/۵	۱۰/۷	هزینه‌های مصرفی دولتی
۵/۲	۵۶/۳	۴/۷	۵۷/۶	۷/۱	۵۸/۲	هزینه‌های مصرفی خصوصی
۱۰/۹	۸/۴	-۱/۷	۸/۲	-۰/۹	۸/۸	تشکیل سرمایه دولتی
۱۲/۲	۱۸/۱	۱۶/۳	۱۷/۴	۷/۷	۱۵/۸	تشکیل سرمایه خصوصی
۱۲۴/۲	۵/۹	۷۶/۹	۲/۸	۲۳۷/۶	۱/۷	موجودی انبار
-۳۲/۴	۳/۰	-۸/۱	۴/۸	-۱۶/۷	۵/۵	خالص صادرات

\* تفاوت در سرجمع سهم‌ها مربوط به اشتباهات آماری است

آنها در تهران و شهرهای بزرگ (۷۱ درصد) است. لوکس‌سازی و انبوه‌سازی (برج‌سازی) در مناطق خاصی از شهرها و نیز پاساژسازی و ساخت املاک تجاری، با هدف سودجویی آبی (استفاده از سرفقلمی)، بار دیگر سرمایه‌ها را به سوی فعالیت غیرمولد و مرده برای کشور هدایت کرده است. دو سوم تشکیل سرمایه ثابت ناخالص در کشور در بخش ساختمان در خدمات متمرکز بوده است؛ یعنی سهم ساختمان‌سازی در بخش کشاورزی در

داخلی، سهم ۲۷ درصدی آن در اشتغال و سهم ۴۰ درصدی آن در زندگی و سکونت جمعیت کشور باشد. درباره دیگر اولویت‌های توسعه صنعتی ایران، قبلاً مطلبی با عنوان «اقتصاد ایران قبل از برنامه‌ریزی احتیاج به پاکسازی و تعدیل دارد.» نوشته شده است)

۳- ساختمان: رشد ارزش افزوده بخش ساختمان در دوره سه ساله ۱۳۷۹-۸۱ برابر ۱۱/۰ درصد و در سال ۱۳۸۱ معادل ۱۳/۰ درصد بوده است. از سوی دیگر، در همین دوره، تشکیل سرمایه ثابت ناخالص در ساختمان در بخش خدمات، به قیمت‌های جاری، هر سال حدود ۷۰ درصد و به قیمت‌های ثابت، به‌طور متوسط، هر سال ۱۱/۶ درصد رشد داشته است.

رشد سرمایه‌گذاری ثابت ناخالص در ساختمان بخش خدمات هم به قیمت‌های ثابت در سال ۱۳۸۱ برابر ۱۸/۲ درصد برآورد شده است که در برگیرنده ۱۳/۲ درصد رشد تشکیل سرمایه در بخش ساختمان دولتی و ۱۷/۴ درصد رشد تشکیل سرمایه خصوصی در بخش ساختمان در کل اقتصاد بوده است.

بر پایه اطلاعات منتشر شده از سوی شهرداریهای مناطق شهری که در گزارش‌های بانک مرکزی انعکاس یافته است و نیز مشاهدات عینی، رشد بخش ساختمان، مانند رشد بخش صنعت (اتومبیل) مبتنی بر رفع نیاز واقعی مردم، یعنی تأمین مسکن مناسب برای طبقات متوسط و پایین جامعه که قدرت خرید کافی ندارند، نبوده است. تعداد ساختمانهای جدید در سال ۱۳۸۱ بیش از ۵۲۹۳۱ دستگاه برآورد شده که ۳۷۴۲۹ واحد

#### جدول ۵- رشد تشکیل سرمایه ثابت ناخالص داخلی در بخش‌های اقتصادی

۱۳۸۱	۱۳۸۰	۱۳۷۹	
۱۱/۹	۴/۸	-۱۱/۱	کشاورزی
۱۵/۰	۱۶/۶	-۲۱/۹	نفت و گاز
۹/۴	۱۱/۰	۱۰/۸	صنایع و معادن
۱۲/۴	۹/۲	۷/۰	خدمات
۱۱/۸	۹/۹	۴/۵	کل

#### جدول ۶- اقتصاد در سال ۱۳۸۱

۱۳۸۱	۱۳۸۰	۱۳۷۹	تولید ناخالص داخلی
۷/۴	۳/۳	۵/۰	پانفت
۷/۸	۵/۱	۴/۵	بی‌نفت
۱۱/۷	-۰/۷	۳/۵	کشاورزی
۵/۱	-۸/۱	۸/۳	نفت و گاز
۱۱/۸	۹/۱	۹/۵	صنایع و معادن
۵/۱	۴/۸	۲/۹	خدمات

ماخذ: حسابهای ملی ایران، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

سال ۱۳۸۱ فقط ۷/۸ درصد، در بخش صنایع و معادن ۱۳/۳ درصد و در بخش نفت و گاز ۷/۹ درصد بوده است.

سیاست شهرداری‌ها مبنی بر به مزایده گذاشتن فضای شهرها (فروش تراکم) و پیدا شدن ده‌ها هزار واحد مسکونی و تجاری لوکس خالی (۴۰ درصد آپارتمانهای شمال تهران خالی از سکنه است. «هدف و اقتصاد»، ۲ دیماه ۱۳۸۲) که توسط افراد دارای پس‌اندازهای عمده، ساخته یا خریداری شده است، نه تنها با بالا بردن کاذب تقاضا، قیمت زمین و مسکن را بی‌هرگونه معیاری افزایش داده، بلکه با انحراف پس‌اندازهای جامعه از سرمایه‌گذاری‌های لازم برای توسعه صنعتی واقعی، ریشه‌های رشد و توسعه پایدار و خودآنگاه را خشکانده است.

این انحراف توجه و این شیوه سرمایه‌گذاری، نه تنها از ایجاد پایگاه‌ها و عوامل رشد بالقوه واقعی و پایدار در شرایط رقابت جهانی جلوگیری کرده است (رشد حاصل از توسعه صنعت، کشاورزی، معدن، خدمات فنی و مهندسی بر پایه سرمایه‌گذاری در علم و تکنولوژی و نیروی انسانی در شرایط رقابتی و استانداردها و فروش در بازارهای جهانی)، بلکه اقتصاد ایران توانسته است به یکی از ابتدایی‌ترین نیازهای بسیاری از شهروندان، یعنی داشتن کار مولد تأمین‌کننده نیازهای مادی و معنوی آنان پاسخ گوید.

مهمترین شاخص‌هایی بی‌توجهی به عوامل رشد واقعی، سهم کل اعتبارات پژوهشی در تولید ناخالص داخلی است که در ایران فقط ۰/۴۷ درصد (۳۳۵ نفر پژوهشگر در هر یک میلیون نفر) در مقایسه با ۴/۵ درصد در ژاپن و چندین برابر ایران در کشورهای جنوب شرقی ایران در سال ۱۳۸۱ بوده است (برنامه، شماره ۸، ۴۴ آذرماه ۱۳۸۲)

بر پایه اطلاعات منتشر شده از سوی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، در سال ۱۳۸۱ تقریباً ۱۴/۳ درصد جمعیت فعال کشور، بیکار بوده‌اند؛ یعنی ۲/۹۳ میلیون تن منبع درآمدی نداشته‌اند که با محاسبه افراد خانواده آنها می‌توان گفت نزدیک به ۱۳ میلیون نفر یا حدود یک پنجم جمعیت کشور از امکان زندگی مستقل و درخور شأن خود بی‌بهره بوده‌اند. تازه، این ارقام به گفته وزیر کار و امور اجتماعی، ارقام رسمی است (خراسان، ۳۰ آذرماه ۱۳۸۲، صفحه ۶) و میلیون‌ها زن رانده شده از بازار کار و نیز افراد نامید شده از کارایی را در بر نمی‌گیرد.

۴- ارتباطات: ارتباطات که از بخش‌های رشد یابنده اقتصاد ایران و یکی از زیربخش‌های خدمات است، در دوره ۱۳۷۹-۸۱ تا ۱۱/۹ درصد رشد برخوردار بوده است. در اینجا نیز وجود انحصار دولتی و درست شدن (بازار سیاه) برای «تلفن همراه»، نقشی تعیین‌کننده در این رشد داشته است.

طبق ارقام به دست آمده از مناقصه‌های بین‌المللی (مناقصه عربستان برای ۱۰ میلیون تلفن همراه)، بهای تمام شده یک تلفن همراه حدود ۲۵۰ دلار است. لذا، با توجه به قیمت عرضه شده به مصرف‌کننده (نزدیک به ۶۵۰ دلار) و قیمت آن در بازار آزاد (حدود ۱۰۰۰ دلار) در ایران، بار دیگر دیده می‌شود که رشد این زیربخش ضروری و حیاتی تا اندازه زیادی تحت تأثیر انگیزه سودجویی یا «دفع شر تورم» بوده است.

بسیاری کسان به تناسب توانایی مالی‌شان، با خرید و فروش کالاهای مورد نیاز دیگران، می‌کوشند پولی به دست آورند و زندگی خود را بگذرانند. این دادوستد، کالاها و زمین‌های گوناگونی را در بر می‌گیرد از جمله خرید و فروش کوبن؛ خرید و فروش کالاهایی که فروشگاه‌های تعاونی یا فروشگاه‌های شهر و روستا عرضه می‌کند؛ خرید و فروش تلفن همراه، ارز، آپارتمان و اتومبیل؛ کالاها و لوازم خانگی، دستگاه‌های صوتی و تصویری، یخچال و... در این میان،

● رشد بخش کشاورزی، بی‌تغییرات بنیادی در داده‌های کشاورزی، بویژه کاربرد تکنولوژی و علمی کردن کشاورزی و بی‌سرمایه‌گذاری لازم و کافی در زمینه نیروی انسانی و فراهم آوردن تأسیسات و نهاده‌های کشاورزی علمی و سرمایه‌گذاری عمقی، دوام نخواهد یافت.

هر رشد شکننده و ناپایدار: نتیجه بالا رفتن بهای نفت و افزایش واردات

ایران در سال ۱۳۸۱ دستکم ۲۲/۸ میلیارد دلار و در چهار سال اخیر ۸۳/۶ میلیارد دلار درآمد نفتی داشته است که حداقل ۲۰ میلیارد دلار از ارقام پیش بینی شده در برنامه ۵ ساله و بودجه های سالانه بیشتر بوده است. افزایش درآمد نفت با تشویق و افزایش واردات از ۱۲/۶ میلیارد دلار در سال ۱۳۷۸ و رساندن آن به ۲۴/۱ میلیارد دلار در سال ۱۳۸۱ (پیش بینی شده است که در سال ۱۳۸۲ در آمد نفت حدود ۲۶ میلیارد دلار و ارزش واردات حدود ۳۰ میلیارد دلار خواهد بود) گذشته از افزایش دریافتی های دولت بابت حقوق گمرکی و سود بازرگانی و عوارض گوناگون مرتبط با واردات، با تشویق ورود ماشین آلات و قطعات و مواد اولیه و کالاهای ساخته شده صنعتی مورد نیاز بخشهای صنعت و معدن و ساختمان و خدمات (ارتباطات)، رشد این بخش ها را ممکن ساخته است.

عامل اصلی افزایش درآمدهای نفتی، فقط بالا بودن قیمت آن در بازارهای جهانی، در شرایط آشفته بازار نفت در سالهای اخیر بوده است. در واقع، اعتصابهای کارکنان صنعت نفت در ونزوئلا، آشوب نیجریه و بالاتر از همه، مناقشه صدام حسین با ایالات متحده آمریکا و بالاخره اشغال عراق توسط ایالت متحده و انگلستان و خارج شدن روزانه حدود ۳ میلیون بشکه نفت عراق از بازار جهانی، سبب شده است که نفت ایران

به طور متوسط تقریباً بشکهای ۶ دلار از قیمت های پیش بینی شده، بیشتر فروخته شود. به هر حال سناریوی پیش روی اقتصاد ایران از نظر رشد و توسعه، قابل تأمل است؛ بگذریم که مجله اکونومیست لندن (EIU) رشد اقتصادی ایران در سال ۲۰۰۴ را ۳/۸ درصد برآورد کرده است. این رقم رشد که بسیار پایین تر از رشد سال ۲۰۰۳ است، از پیش بینی سقوط در آمد نفت به ۱۴/۹ میلیارد دلار (از ۲۱/۱ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۳) به نست آمده که سبب پیدا شدن کسری ۵/۵ میلیارد دلاری در حساب جاری موازنه پرداختها و کاهش ۵/۷ میلیارد دلاری در واردات می شود (اکونومیست میزان واردات ایران در سال ۲۰۰۳ را ۲۵/۳۱ میلیارد دلار ذکر کرده است).

این بررسی کوتاه نشان می دهد که رشد اقتصادی ایران نامتعادل و غیر پایدار است و علت اصلی آن از یک سو وابستگی این رشد به درآمد نفتی است که قیمت و مقدار آن در کنترل ما نیست و از سوی دیگر، سیاست های پولی و مالی و نیز سیاست های بازرگانی و صنعتی است که پیوسته موجب انحراف منابع و عوامل تولید و مانع تخصیص بهینه آنها بر مبنای اصول نظام اقتصاد آزاد و رقابتی در مقیاس جهانی بوده است. پیامد همه اینها، کاهش توان تولید ملی، افزایش بیکاری و گسترش مسائل اجتماعی، فرهنگی، شهری و خانوادگی در زمینه های گوناگون خواهد بود.

● رشد زیربخش صنعت از رشد چشمگیر تولید اتومبیل و قطعات، اعم از تولید داخلی و واردات، به صورت مجموعه حاصل شده است؛ آنهم در شرایطی که قیمت این محصولات، به زیان مصرف کنندگان و نیز به زیان صنایع دیگر، در سطحی بسیار بالاتر از قیمت های جهانی تعیین و نگهداشته شده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی